

به نظر برخی اما این نقش ایران در حل و فصل چالش های منطقه ای، در مورد افغانستان به نتایج مورد نظر نرسیده است. چرا؟

یکی از مسائل مهم دیگری که دولت سیزدهم در ابتدای روی کار آمدن با آن روبه رو شد، حاکمیت طالبان بر افغانستان بود. به زعم تعدادی از کارشناسان، این اعتقاد وجود داشت که فرار امریکایی ها از افغانستان و سپردن حاکمیت به طالبان، تله جدید امریکایی ها برای وارد کردن ایران به یک جنگ طولانی و فرسایشی در بیش از ۹۰۰ کیلومتر از مرزهای شرقی خود است. البته با سیاستگذاری های دقیقی که از جانب مقامات عالی کشور و همچنین نظارت شورای عالی امنیت ملی و انتصاب نماینده ویژه رئیس جمهور و فعالیت قابل تقدیر دستگاه سیاست خارجی در این مورد شکل گرفت، امروز ضمن وجود اختلافات بین جمهوری اسلامی ایران و حکومت سرپرست افغانستان در حوزه آبریزی هیرمند به داخل ایران، بسیاری از مشکلات حل و فصل شده است. مردم افغانستان احساس می کنند که همچنان مانند گذشته می توانند روی حمایت های جمهوری اسلامی و ملت ایران حساب ویژه ای باز کنند.

در همین راستا پذیرش تعداد زیادی از آوارگان جدید افغان از جانب جمهوری اسلامی در طول دو سال گذشته نیز شگفتی نهادهای بین المللی را در این رابطه به وجود آورده است. به نظر می رسد دولت سیزدهم مدیریت مناسبی در این حوزه جغرافیایی در طول دو سال گذشته داشته است. حالا می توانیم با اطمینان بگوییم که چشم اندازه رابطه بین دو ملت ایران و افغانستان و همچنین دو حکومت چشم انداز روشنی است.

این نکته را علی رغم تلاش های بدخواهان دو ملت بیان می کنم. صلح و ثبات و آرامش و ارتباطات فرهنگی و مرزی و اقتصادی برای هر دو کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به نظر نمی رسد که کشورهای فرامنطقه ای و سرویس های اطلاعاتی که در حال حاضر بشدت از حضور داعش در افغانستان حمایت می کنند، توانمندی این را داشته باشند که بین دو ملت خلل های غیرقابل جبران و یا چالش های حل نشدنی ایجاد کنند.

نیست، هرچند رژیم صهیونیستی در این موضوع بیش از حد تبلیغات و اغراق می کند، اما حل اختلافات، گفت و گوی رو در رو و مشخص کردن طرح امنیتی، قدرت منطقه ای به همراه مشارکت همه کشورها و منفعتی که کشورهای منطقه در طرح امنیتی می برند قطعاً در راستای حفظ منافع همه کشورهای منطقه است؛ لذا می توان فعالیت های اقتصادی و تجاری خود را افزایش و حرکت جدیدی در حوزه اقتصاد و تجارت منطقه ای شکل داد.

با چنین تحولاتی در منطقه آیا می توان گفت که نظامی که امریکایی ها در منطقه خاورمیانه برای خود ترسیم کرده بودند برهم خورده است؟

نکته قابل توجه در این مذاکرات، حذف امریکا از جایگاه پدرخواندگی روابط کشورهای منطقه و نقش فعال دو کشور به علاوه چین در احیای روابط میان ایران و عربستان است. این اتفاق نشان دهنده ضعف دولت امریکا در منطقه است. زیرا گواه آن است که امریکایی ها حتی در کشورهای هم پیمان خود در منطقه از جمله عربستان نفوذ خود را از دست داده اند چرا که آنها به هیچ عنوان علاقه مند به از سرگیری روابط میان ایران و عربستان نبوده و نیستند.

به نقش فعال چین در احیای روابط ایران و عربستان اشاره کردید. نقش میانجیگری چین را چگونه ارزیابی می کنید؟

میانجیگری چین و ابتکار رئیس جمهور کشورمان در سفر به چین و طرح بحث با چینی ها برای حل و فصل اختلافات میان ایران و عربستان بسیار مؤثر بود و نشان می دهد جمهوری اسلامی ایران از نقش مثبت تمام کشورهای مؤثر در منطقه و جهان کمال استفاده را می کند و علاقه مند به نقش آفرینی سازنده آنها است. چین به خاطر نفوذ در میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و عربستان به سرعت توانست ادامه مذاکرات را میان ایران و عربستان در بغداد به نتیجه برساند و ایران و عربستان اذعان شدند که چین می تواند نقش بسیار مناسب و مثبتی را برای احیای روابط دو کشور ایفا کند و این بیانگر علاقه مندی چین به حضور مؤثر در منطقه برای حل و فصل اختلافات میان کشورها دارد.

چه دستاوردهایی از قبل این موضوع قابل تحقق است؟

اگر بخواهیم به مهمترین دستاورد در حوزه حل مشکلات منطقه ای اشاره کنیم، باید گفت که افزایش ۴۰ درصدی صادرات به کشورهای منطقه، یکی از آنها است که مجموعه های اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی توانستند از آن بهره لازم را ببرند. یکی دیگر از پیامدهای مهم گسترش و تعمیق روابط بین دو کشور مؤثر و قدرتمند در منطقه یعنی بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان می تواند در حوزه های مسائل مختلف از جمله انرژی، سرمایه گذاری های مشترک، توریسم یا گردشگری در حوزه های مذهبی باشد. غیر از آن، وجود این رابطه در افزایش امنیت بر منطقه تأثیرگذار خواهد بود. هرچقدر در غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس افزایش امنیت توسط کشورهای عضو این منطقه ایجاد شود، از سوی غرب ما شاهد کاهش دخالت امنیتی و از سوی دیگر نیز شاهد نگرانی و ناراحتی رژیم صهیونیستی خواهیم دید.



این توافق چقدر توانست رژیم صهیونیستی را از آرزوی عادی سازی در منطقه دور کند؟ آیا می تواند سبب فاصله گرفتن رژیم صهیونیستی از کشورهای عرب منطقه شود؟

بازگشت روابط ایران و عربستان به حالت عادی، ظرفیت های بزرگی را در اختیار دو کشور، کشورهای منطقه و جهان اسلام قرار خواهد داد. به موازات شکسته شدن ایران هراسی و انزواخواهی ایران، پروژه نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام با عادی سازی روابط با کشورهای اسلامی کند خواهد شد. ارتباط هر چه بیشتر ایران با عربستان و دیگر کشورهای عربی و مسلمان می تواند سبب فاصله گرفتن رژیم صهیونیستی از کشورهای عربی و مسلمان شود. به همین دلیل است که رژیم صهیونیستی که به عنوان مهمترین و خبیث ترین عامل منطقه به شمار می رود، از نزدیک شدن این دو کشور اظهار نگرانی کرده است و به طور علنی از گسترش روابط بین این دو کشور اظهار نارضایتی کرده که قطعاً نسبت به این روابط به دنبال ایجاد اختلال است. دخالت رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا به ویژه میان کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به هیچ وجه به نفع منطقه

